



## نشریه خبری

سازمان مجاهدین خلق ایران

شماره ۱۳

۹ اسفند ماه ۱۳۵۳

تهران - ۵۳/۱۱/۲۹ - وزارت علوم طرح جدید پذیرش دانشجو را اعلام کرد. به موجب این طرح، کنکور سراسری دانشگاه‌ها حذف شده و دانشگاه‌ها و مدارس عالی خود مستقیماً به پذیرش دانشجو می‌پردازند.

رژیم که علی‌رغم همه اقدامات پیشگیرانه و پلیسی و ضدانگیزه‌ای خود تاکنون نتوانسته سیطره پلیسی خوند را بر موسسات آموزشی عالی به نحو کامل تحمیل کند و روزبروز با امواج جدید تظاهرات و اعتصابات دانشجویی روبرو است، اکنون برای جلوگیری از ورود عناصر مبارز به دانشگاه‌ها، به این حيله جديد متوسل شده است. شك نيست كه اين اقدام رژيم نيز همانند اقدامات ديگر او در گذشته - ايجاد گارد دانشگاه/ تصفيه‌گاه به گاه دانشجویان و دستگیری و اخراج و به سربازی فرستادن عناصر فعال/ دست بردن در تست‌های کنکور/ نفوذ عناصر ساواک در دانشگاه‌ها بنام دانشجو، بدون کنکور و از طریق سازمان‌های نظامی<sup>۱</sup> گرفتن تعهد خدمت و تحمیل هزینه سنگین آموزش/ سرگرم کردن دانشجویان با برنامه‌های ضدانگیزه‌ای و منحرف‌کننده<sup>۲</sup> ... - به شکست انجامیده و ما روزبروز شاهد گسترش و وسعت و تکامل هرچه بیشتر مبارزات دانشجویی خواهیم بود.

قبلاً گزارش‌هایی از تظاهرات دانشجویی در سال جاری که به مناسبت‌های مختلف - و بخصوص به مناسبت ۱۶ آذر - صورت گرفته به اطلاع رساندیم (نشریه خبری شماره‌های ۱ تا ۷). اخبار رسیده حاکیست که این تظاهرات همچنان ادامه دارد. در زیر ابتدا گزارش‌های دیگری از این تظاهرات و سپس گزارش‌هایی از عملیات انقلابی دانشجویان و دانش‌آموزان و سایر فعالیت‌های محصلین و مقابله پلیس با آنان می‌بینید:

تهران - بدنبال تظاهرات وسیع دانشجویان دانشگاه صنعتی به مناسبت شانزدهم آذر، پلیس به خوابگاه دانشجویان این دانشگاه حمله برده و آنان را زیر فشار گذاشته است. از جمله، حرارت مرکزی خوابگاه را قطع و رستوران دانشجویان را تعطیل کرده‌اند. در فاصله يك ماهه پس از ۱۶ آذر، پلیس سه بار به خوابگاه حمله برده و عده زیادی از دانشجویان را مجروح کرده است. متقابلاً روز ۱۶ دی ماه گذشته، دانشجویان، يك عنصر ساواکی و دو نفر از عناصر گارد مزدور را به چنگ آورده و شدیداً کتک می‌زنند. متعاقب این جریان، ده اتومبیل حامل پلیس به گارد دانشگاه پیوسته و به دانشجویان حمله می‌شوند. دانشجویان به طرف ساختمان باکری (شیمی) عقب نشسته و در آنجا با استفاده از قفسه‌های آهنی، سنگ می‌گیرند. با ورود عناصر گارد به داخل ساختمان، زدوخورد سختی درمی‌گیرد و دانشجویان پس از اینکه با سنگ و بیل و کلنگ، گارد را مضروب می‌سازند، به اطاق يك نفر از استادان پناهنده می‌شوند. پلیس استاد نامبرده و دانشجویان را به شدت و به نحو توهین‌آمیزی زیر ضربات خود قرار داده و عده زیادی - در حدود ۵۰ نفر - از دانشجویان را دستگیر می‌کند. بدنبال این اقدام، استادان دانشگاه صنعتی به صورت جمعی اعتصاب کرده و از رفتن به کلاس‌ها سرباز می‌زنند.

مشهد - شایع است که در جریان تظاهرات دانشجویان دانشگاه این شهر به مناسبت ۱۶ آذر، يك عنصر گارد کشته و دو تن از دانشجویان به شهادت رسیده‌اند. بدنبال این تظاهرات، ۴۲ نفر از دانشجویان را اخراج و مجبور به ترك مشهد کرده‌اند.

پلیس به خیال خود در این شهر به پیشگیری دست زده بود. از جمله عده زیادی از عناصر مبارز این دانشگاه را قبل از فرارسیدن ۱۶ آذر دستگیر کرده و چنین بلوف زده بودند که: «فلانی، تو پارسال، روز ۱۶ آذر جزو تظاهرات‌کنندگان بوده‌ای و ما این را می‌دانستیم و می‌دانیم که چه کرده‌ای و چند تا شیشه خرد کرده‌ای. ولی زرنگی کردی و از چنگ ما در رفتی. حالا سه روز است که حکم بازداشت تو صادر شده است...». [مژدهی] رئیس خوشخدمت این دانشگاه، در سمینار روسای دانشگاه‌ها که در تهران قبل از ۱۶ آذر تشکیل و در آن پیشنهاد شده بود که به مناسبت ۱۶ آذر دانشگاه‌ها را يك هفته تعطیل کنند، این پیشنهاد را رد کرده و اظهار داشته بود که «من به دانشجویانم اعتماد دارم و بنابراین این تعطیل لزومی ندارد».

اصفهان - در جریان تظاهرات ۱۶ آذر در دانشگاه اصفهان، بمب نیرومندی در اطاق رئیس دانشکده علوم منفجر می‌شود. شدت انفجار بقدری بوده که اطاق فرومی‌ریزد. گویا همزمان با این انفجار، دو بمب آتشنا نیز در محوطه دانشگاه منفجر شده است.

تهران - در جریان تظاهرات دانشجویان دانشگاه صنعتی به مناسبت ۱۶ آذر، دانشجویان سروان نوروزی رئیس گارد این دانشگاه را به چنگ آورده و به شدت کتک می‌زنند.

تهران - اواخر آبان ماه گذشته، دانشجویان موسسه عالی ارتباطات پست و تلگراف، يك دربان ساواکی را که مانع ورود دانشجویی به داخل موسسه می‌شد، به شدت کتک زده‌اند.

تهران - در دانشکده علم و صنعت، از قسمت ساختمان برق دانشکده، يك دستگاه فتوکپی مصادره شده است. متعاقب این جریان، پلیس به سه نفر مشکوک شده و جلو در ورودی، گارد به شدت کارت‌های دانشجویان را بازرسی می‌کند. گزارش‌های دیگری حاکیست که تاکنون از این دانشکده سه دستگاه ماشین تحریر و يك دستگاه پلی‌کپی نیز مصادره شده است. (دو گزارش دیگر از مصادره دستگاه‌های پلی‌کپی در دانشکده پلی‌تکنیک تهران و دانشگاه اصفهان در شماره ۵۶ این نشریه آمده است.)

اصفهان - اخیرا اداره آموزش و پرورش و کمیته مشترک ساواک - شهربانی اصفهان، از کلیه دبیرستان‌های این شهر تعهد گرفته‌اند که از دستگاه‌های پلی‌کپی خود بشدت مراقبت کرده و آنها را در محل‌های مهمی نگهداری و برای آنها نگیهان تعیین کنند. به این جهت، در برخی از دبیرستان‌ها، دستگاه پلی‌کپی را تحویل مستخدم داده و شیدا در اطاق نامبرده حفظ می‌شود. همچنین تهیه صورت‌مجلس به هنگام کار با دستگاه و اینکه چه چیزی پلی‌کپی شده و مدت کار دستگاه، جزو این اقدامات به شمار می‌رود.

این اقدامات به دنبال يك سری عملیات انقلابی دانش‌آموزان در استفاده از دستگاه‌های پلی‌کپی صورت گرفته است. از جمله، چندی قبل دانش‌آموزان دبیرستان سعدی اصفهان، دفاعیات مجاهد شهید مهدی رضائی را به تعداد زیادی پلی‌کپی و تکثیر کردند. همچنین در دبیرستان هراتی، انقلابیون دستگاه پلی‌کپی این دبیرستان را همراه با يك قالیچه گران‌قیمت که قرار بود به شاه جلاد هدیه بدهند، مصادره کرده‌اند. گزارش‌های دیگر حاکیست که چند دستگاه ماشین تحریر و ضبط صوت از دبیرستان مینو در فلاورجان، مصادره شده است.

گلپایگان - دستگاه پلی‌کپی دبیرستان پاسارگاد این شهر در اوایل مردادماه گذشته مصادره شده است. بدنبال این جریان، پلیس عده‌ای را دستگیر می‌کند ولی چون سرخی به دستش نمی‌آید، آنان را آزاد می‌کند. گفته می‌شود که دستگاه فوق، از نوع مدرن بوده است.

تهران - چندی قبل، از طرف دانشگاه صنعتی، کادر اداره کننده غذاخوری را که افرادی مورد اعتماد دانشجویان بوده‌اند، برکنار و اداره آن را به يك عده عناصر مشکوک (بهائی) واگذار می‌کنند. بدنبال این جریان کیفیت غذا نیز تنزل کرده و عده‌ای از دانشجویان مسموم می‌شوند. بدین‌جهت دانشجویان به دکتر نصر، رئیس دانشگاه که خود را مسلمان و معتقد می‌داند مراجعه کرده و پس از طرح موضوع از او می‌خواهند که به دو علت زیر، کادر مزبور را سریعا تغییر دهد:

۱- مشکوک بودن و وابستگی این عده به رژیم.

۲- عدم رعایت بهداشت و مسمومیت عده‌ای از دانشجویان.

دکتر نصر در برابر این اعتراض، به يك آیه قرآن متمسک شده (لکم دینکم ولی دین) و می‌گوید: «هرکه به دین خود، شما چه کار دارید به دین و مذهب اینها؟». دانشجویان در برابر این استدلال خشمگین شده و پس از ارائه آیاتی انقلابی از قرآن در مورد عدم سازش با کفار و مشرکین و مبارزه با عناصر مزدور، محل را ترک کرده و تصمیم می‌گیرند آن روز را در خارج غذاخوری اجتماع و تظاهرات و اعتصاب کنند. عده‌ای از استادان که از غذاخوری استفاده می‌کرده‌اند نیز به عنوان اعتراض آن را ترک می‌کنند.

رئیس دانشگاه که با وحدت و همبستگی کامل دانشجویان مواجه می‌شود، کادر معلوم‌الحال را برکنار و تسلیم خواسته دانشجویان می‌گردد.

یکی از اقدامات ضدانگیزه‌ای و سرگرم‌کننده رژیم، طرح به اردوفرستادن دانشجویان در تعطیلات تابستان گذشته بود. رژیم با این اقدام سعی داشت که دانشجویان را در تابستان در شهرستان‌ها پراکنده ساخته و با اجرای برنامه‌ها و تفویض وظایفی به آنان، آنان

را سرگرم نگاه دارد. این اقدام رژیم نیز بنا به خصیصه کلی استراتژی ارتجاع، محکوم به شکست است. در زیر گزارش‌هایی در این باره می‌بینید:

کرج - اوایل مردادماه گذشته، در اردوی کارآموزی دانشجویان و دانش‌آموزان، تعدادی اعلامیه «پیام به دانشجویان» (مجاهدین خلق) پخش می‌شود. بدنبال این جریان، ساواکی‌ها تمام جاها (من جمله زیر تخت‌ها، لای کتاب‌ها و...) را دقیقاً تفتیش می‌کنند ولی نتیجه‌ای نمی‌گیرند. از آن به بعد، افراد را موقع ورود و خروج دقیقاً بازرسی می‌کرده‌اند. ضمناً از محافظین اردو خواسته می‌شود که افرادی را که به آنان مشکوکند، در اطاق‌های جداگانه جا دهند. این عمل با مخالفت حدود ۲۰ نفر از دانشجویان روبرو شده و دانشجویان التیماتوم می‌دهند که اگر محلشان عوض شود، از اردو می‌روند.

اصفهان - دانشجویان و دانش‌آموزانی که در شهرهای مختلف استان اصفهان به اردو برده شده بودند، بارها دست به اعتصاب و تظاهرات زده‌اند. دانشجویان از این فرصت تماس با دانش‌آموزان استفاده کرده و به رشد آگاهی سیاسی و اجتماعی آنان کمک می‌کرده‌اند. از جمله، در اردوهای شهرستان‌های سمیرم، نائین، باغ بهادران، نجف‌آباد، شهرکرد و... دانشجویان ضمن پخش «پیام به دانشجویان» در صفوف خود و بین دانش‌آموزان، بارها به اعتصاب و اعتراض پرداختند و با شکستن وسایل اردو و چندین بار واژگون کردن میزهای غذاخوری، نفرت و انزجار خود را نسبت به برنامه‌های رژیم شاه مزدور، نشان دادند. دانشجویان همچنین بارها به دلیل اینکه متصدیان مربوطه نمی‌گذاشتند که ایشان به میان مردم رفته و با توده‌های خلقی مستقیماً تماس بگیرند، به مشاجره و اعتصاب دست زدند. آنان همچنین به گروه‌های «هنری» و ارکستر جازی که رژیم برای سرگرمی آنان فرستاده بود، حمله‌ور شده و بساط آنها را به هم ریختند. در یک نوبت، دانشجویان با شیشه‌های دوغ و کانادا درای به ارکستر حمله‌ور شدند.

نهایند - در جریان اردوی تابستانی این شهر، عده‌ای از دانشجویان (که یکی از آنان اهل نهایند بوده) برای ادای نماز به یکی از مساجد شهر می‌روند. این امر (نماز خواندن دانشجو) برای گروهی از اهالی که ناظر جریان بوده‌اند، تازگی داشته و نظر آنان را جلب می‌کند. دانشجویان که متوجه جریان شده بودند، تصمیم می‌گیرند که شب تولد حضرت علی (ع) (۱۳ رجب ۹۴ برابر با ۱۱ مرداد ۵۳) را در اردو جشن بگیرند و بدین منظور، بوسیله کارت، از اهالی شهر برای شرکت در این جشن دعوت می‌کنند. اهالی نیز مشتاقانه دعوت را پذیرفته و در جشن شرکت می‌کنند. در جریان جشن، قطعاتی از نهج‌البلاغه و نیز آیاتی از قرآن درباره جهاد همراه با ترجمه و تفسیر دکلمه‌شده و یک قطعه شعر نیز خوانده می‌شود که تأثیر خوبی روی شرکت‌کنندگان می‌گذارد. متعاقب این جریان، دانشجویان تصمیم می‌گیرند که شب تولد امام حسین (ع) (سوم شعبان ۹۴ برابر با ۳۱ مرداد ۵۳) را نیز جشن بگیرند که مأمورین مخالفت کرده و مانع کار آنان می‌شوند. لذا دانشجویان کارت‌های تیریکی به امضای «دانشجو» تهیه و همراه با نقل و شیرینی بین مردم توزیع می‌کنند. این اقدام مورد استقبال اهالی قرار گرفته و عده زیادی از مغازه‌داران و رانندگان تاکسی، این کارت‌ها را پشت شیشه‌های مغازه و تاکسی خود می‌چسبانند. (در رابطه با این گزارش، به اعلامیه گروه ابودر در شماره ۸ این نشریه و گزارش مربوط به رشد آگاهی سیاسی اهالی این شهر و سمپاتی آنان نسبت به انقلابیون در شماره ۱۲ مراجعه شود.)

قابل توجه است که شب قبل از جشن تولد حضرت علی، از طرف فرماندار شهر، جشن نفت (به مناسبت سالگرد باصطلاح «اعمال حاکمیت ملی» بر منابع نفت) برگزار می‌شود و به این مناسبت، فرماندار از همه دانشجویان دعوت می‌کند. دانشجویان عموماً با سرو وضع نامرتب و خمیازه‌کشان در جشن حضور می‌یابند و مأمورین وقتی وضع را چنین می‌بینند، عذر آنان را از شرکت در مراسم می‌خواهند. فردای آن روز که دانشجویان جشن مذهبی برگزار کرده و با سرو وضع مرتب از اهالی پذیرائی می‌کرده‌اند، فرماندار به آنان می‌گوید: «من نمی‌دانم، این چه سرّی است که شما دیروز با آن سرو وضع آشفته در جشن نفت که یک جشن ملی است، شرکت کرده بودید، ولی امروز این قدر مرتب و تمیز هستید؟».

تهران - یک گروه ده نفری که اکثر اعضای آن از دانشجویان دانشکده علم و صنعت بودند، اوایل سال جاری دستگیر شده‌اند. نحوه دستگیری چنین بوده که گروه تصمیم می‌گیرد در جریان اعتصابات دانشگاهی اعلامیه‌ای پخش کند. به این منظور، قرار می‌شود که هر کدام یک متن تهیه کند تا از بین آنها یکی انتخاب شود. نامبرندگان هر یک، یک متن نوشته و با قید نام خود، آنها را به مجید نعیمی، نفر دوم گروه می‌سپارند.

مجید با شرکت در اعتصابات دستگیر می‌شود و خانه‌اش مورد تفتیش قرار می‌گیرد. بدنبال کشف متون اعلامیه، پلیس بقیه افراد را شناخته و درصدد دستگیری آنها برمی‌آید. از این جمع، مهدی صانعی‌زاده، نفر اول گروه موفق به فرار می‌شود که بعد در جریان یک عمل مسلحانه که با فرد دیگری شرکت داشته، به چنگ پلیس می‌افتد. یک نفر دیگر از افراد گروه فراری است.

تهران - ۵۲/۸/۲۸ - ساواک با استفاده از کلیدهای یدکی کمد های دانشجویان در دانشکده علم و صنعت، به این کمد ها یورش برده است. (کمد ها معمولاً دارای دو کلید است که یکی در دفتر دانشکده نگهداری می شود). بدنبال این جریان و کشف تعدادی کتاب، چند تن از دانشجویان (حدود ۴-۵ نفر) را در همان روز دستگیر کرده اند.

تهران - در نیمه مردادماه گذشته، علی معدنچی دانشجوی دانشکده داروسازی، بوسیله ساواک دستگیر شده است. جریان دستگیری بدین ترتیب بوده که صبح دو نفر به خانه نامبرده مراجعه و از خانواده سر اغش را می گیرند. ولی چون او در خانه نبود می گویند: «به علی آقا بگویند که امشب ساعت هشت خانه باشد، دو نفر از دوستانش می خواهند او را ببینند.» دانشجوی مذکور آن شب در خانه اش منتظر دوستان ناشناخته اش بوده که ماموران ساواک سر رسیده و او را با خود می برند.

اکنون به چند گزارش دیگر از دستگیری ها و فشار رژیم بر طبقات و اقشار مختلف خلقی توجه کنید:

تهران - ۵۳/۷/۲۵ - شش نفر از اعضای هیئت مدیره موسسه مذهبی مهدیه واقع در خیابان غیائی، خیابان قوامی دستگیر شده اند. ظاهراً یکی از دستگیر شدگان، کارمند اداره تسلیحات ارتش بوده است.

تهران - در فروردین ماه گذشته مزدوران رژیم فردی بنام طهماسبی خیابانی را که به شغل تراشکاری اشتغال دارد دستگیر کرده اند. نامبرده شوهر عمه مهدی ابریشمچی، مجاهد اسیر می باشد. عمال ساواک در اینجا يك بار دیگر از موقعیت خود سوء استفاده کرده و به اخاذی می پردازند. آنان به همسر طهماسبی مراجعه کرده و برای آزادی شوهرش ۲۰ هزار تومان پول مطالبه می کنند. ولی پس از اینکه پول را می گیرند، نه از آزادی اسیر خبری می شود و نه پول مسترد می گردد. این امر یکبار دیگر این حقیقت مسلم را روشن ساخت که بین رژیم ضد خلقی محمدرضا شاه و مردم هیچ رابطه انسانی نمی تواند وجود داشته باشد. عمال رژیم از هیچ وسیله ای برای سوء استفاده و دشمنی با مردم کوتاهی نخواهند کرد و خانواده ها باید بشدت مراقب باشند که فریب قول و قرارها و وعده و وعید های دشمن را نخورند.

همدان - حسین دیباج برادر رضا دیباج که دو سال قبل بوسیله عمال ساواک دستگیر و زیر شکنجه شهید شده بود، در تابستان گذشته دستگیر شده است. نامبرده حدود يك سال و نیم بود که بصورت نیمه مخفی زندگی می کرده و ساواک بارها به بستگانش برای پیداکردن او مراجعه کرده بود. سرانجام با دستگیری دو نفر از آشنایان نامبرده در تهران، محل اقامت او در همدان لو می رود. رژیم از دادن هرگونه اطلاعی از سرنوشت او به خانواده اش خودداری کرده و آنان از زندگی با مرگ و یا احیاناً محل بازداشت او کاملاً بی اطلاع هستند.

در مورد رضا دیباج نیز رژیم از اعلام خیر شهادت او همواره خودداری می کرد، تا بالاخره پس از دو سال به خانواده او اطلاع دادند که شناسنامه اش را باطل کنند. در عین حال، از برگزاری مجلس ختم نیز جلوگیری کردند.

ملایر - فریدون شیخ الاسلامی که دوران خدمت وظیفه خود را با درجه افسری در غرب کشور می گذرانده، در تابستان گذشته دستگیر شده است. گفته می شود که نامبرده با يك گروه مارکسیستی در تماس بوده و پس از دستگیری او چند نفر دیگر از افراد گروه نیز دستگیر شده اند. لورفتن او به این صورت رخ داده که در محل خدمتش با یکی از توده ای های سابق آشنا می شود و این آشنائی به ردوبدل کردن جزوات می رسد که پس از رد کردن جزوه پلی کپی شده ای از پرویز پویان دستگیر می شود.

اصفهان - تهران - قبلاً گزارش هایی رسیده بود که در ذوب آهن اصفهان در اردیبهشت ماه گذشته دستگیری هایی رخ داده است. از جمله افراد دستگیر شده، یکی بهرام عباسی، مهندس نیروگاه و دیگری ضیاء شجاعی مهندس تکنولوژی کارگاه مکانیکی بوده اند. بدنبال این دستگیری ها، مختارزاده، سرپرست سابق گازرسانی که دو ماه قبل استعفا کرده بود، در تهران دستگیر می شود. همچنین فرشته شجاعی خواهر ضیاء که دانشجوی دانشگاه تهران بوده در این رابطه دستگیر شده است. گفته می شود نامبردگان به زبان روسی آشنائی داشته و مشغول ترجمه کتاب هایی با تم اجتماعی از زبان روسی بوده اند.

تهران - در تابستان گذشته، دو نفر به نام های محمد صحراکار و محمود داودی دستگیر شده اند. شایع است که داودی چکی به مبلغ پنج هزار تومان از صحراکار می گیرد و به خانواده يك زندانی کمک می کند. در دادگاه بدوی، داودی به سه سال و صحراکار به دوسال زندان محکوم شده اند.

تهران - علیرضا کبیری در رابطه با سازمان مجاهدین خلق، هنگامی که به خانه شخصی بنام فیضی سرمیزی دستگیر شده است. فیضی قبلاً در جریانی دستگیر می شود و ماموران ساواک در خانه او تله می نشینند. علیرضا هم بدون اطلاع و خبرگیری قبلی از سلامتی فیضی، به در خانه او می رود که ساواکی ها وی را دستگیر می کنند. در رابطه با علیرضا کبیری افرادی به نام های حسین زاده و کجوری نیز دستگیر شده اند.

خرمشهر - چندی قبل يك مهندس جوان بنام مهندس چمنی در این شهر دستگیر می‌شود. شایع است که نامبرده زیر شکنجه‌های وحشیانه ساواک به شهادت رسیده است.

تهران - در اواسط مردادماه گذشته يك گروه ۹ نفری در حدود خیابان‌های قصرالدشت - مرتضوی لو می‌روند که شش نفر از آنان دستگیر شده‌اند. مسئول تعلیماتی گروه فردی بنام عسگری بوده است. دو نفر دیگر از افراد گروه احد سلطان‌محمدی و رمضان‌ی بوده‌اند. از دستگیرشدگان مقادیری کتاب بدست آمده است. يك نقل‌قول حاکیست که هنگام دستگیری احدسلطان محمدی، برادرش موفق به فرار شده و احد از ناحیه پا تیر می‌خورد و دستگیر می‌شود. احد که جوانی است مجرد، در کرج مرغداری دارد. خانواده‌های دستگیرشدگان عموماً مذهبی هستند. از قول يك مامور ساواک بنام رنجبران که از آشنایان خانواده سلطان‌محمدی است نقل شده که چون از دستگیرشدگان مدارک عمده‌ای بدست نیامده، آنان بزودی آزاد خواهند شد.

نیریز فارس - بدنبال کتک خوردن رئیس ژاندارمری نیریز بوسیله مردم و تبعید آقایان فال اسیری (پدر و پسر) به طوس و طبس برای مدت سه سال، عوامل رژیم متجاوز از یکصد نفر از اهالی را به نقاط مختلف تبعید کرده‌اند.

رژیم برای اینکه بهتر بتواند فشار خود را بر اهالی اعمال کند، بدنبال تعویض مقامات محلی از قبیل روسای شهربانی، ژاندارمری، بانک ملی و سایر ادارات شهر، پاسبان‌های آنرا نیز با پاسبان‌های شهرهای اطراف مانند فسا و اصطهبانات تعویض کرده است. دلیل این امر ظاهراً این بوده است که در جریان حمله مردم به رئیس ژاندارمری شهر، پاسبان‌ها که بومی بوده و بدلیل کوچکی شهر با مردم آشنا بوده‌اند، از حمله به آنان خودداری کرده بودند.

تا موقعی که آقای فال‌اسیری در نیریز بود، چند بار کوشش رژیم برای ساختن سینما در این شهر، با شکست روبرو شد. ولی بدنبال تبعید ایشان، ساختمان سینما بسرعت پیش می‌رود.

---

<sup>۱</sup> - اخباری در این باره در شماره‌های ۳ و ۴ و ۵ این نشریه آمده است. يك گزارش تحلیلی از این اقدام اخیر رژیم، در شماره آینده «مجاهد» درج خواهد شد.

<sup>۲</sup> - به گزارش‌هایی درباره اردوهای تابستانی دانشجویان و دانش‌آموزان، در صفحات بعد مراجعه کنید.